

درس سیصد و چهاردهم: صوت ۳۲۹

مفاد اخبار «مَنْ بَلَغَ» و ادلّه تسامح در ادلّه سنن (7)

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تسامح، اصل و اساس مسئله تقبّل نوروز به عنوان عید

قضیه نوروز و اختلافی که فقهاء در این مطلب داشتند، در طول تاریخ اقوال بعد از اسلام و نقل اقوال مختلفه از این قضیه، در نتیجه بحث راجع به تسامح در ادله سنن و کیفیت نظر اسلام در قبال عقاید و سنن ماقبل شرع که به عنوان سنن جاهلی معروف است. بحث راجع به تسامح که اصل و اساس مسئله تقبّل نوروز به عنوان عید مطرح است ناشی از عدم حجیت سندی و اضطراب متن در روایاتی است که راجع به مسئله نوروز آمده است.

بسیاری از فقهاء روایت **مستند علیها** نوروز را که روایت معروف و مشهور معلی^۱ است از نقطه نظر سند حجت نمی دانند حالا راجع به سندش إن شاء الله در جلسه آینده صحبت می شود و بعد **اللتّیا و اللّتی** دلیل برای این قضیه و تقبّل نوروز به عنوان عید مسئله تسامح را مطرح می کند. خود اصل تسامح براساس یک روایتی است که آن روایت به طرق مختلفه ای نقل شده است و همه دارای یک مضمون است که حالا روایتش را هم إن شاء الله می خوانیم که «**مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَعَمِلَ بِهِ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ وَ إِنَّ كَانَ النَّبَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ لَمْ يَقُلْهُ**»^۱ این مضمون روایتی است که به طرق مختلف نقل شده است.

حالا مسئله اصلی قبل از بحث راجع به روایت «**مَنْ بَلَغَ**» و محدوده دلالت آن راجع به خود روایاتی است که درباره نوروز آمده اند. اول ما باید این روایت ها را یک مروری بکنیم. البته نباید خیلی روی آن دقت و تأمل کنیم بلکه فقط یک نظره اجمالی می کنیم. آن موردی را که بعضی ها خواستند به واسطه آن مورد، تأیید شارع را نسبت به عید نوروز قائل بشوند، ما فقط روی آن موارد تکیه می کنیم تا اینکه به روایت اصلی که روایت معلی^۱ است بپردازیم.

می خواستم به مفتاح الکرامه مراجعه کنم یک مرتبه یادم آمد که مجموعه ای دارم که مجموعه خوبی است خیلی وقت است این را خوانده بودم در کتابخانه گشتم و پیدا کردم و در همین روز جمعه که به مسافرت رفته بودم این را با خودم بردم و همه اش را خواندم دیدم اتفاقاً مطالب خوبی دارد و اتفاقاً نظریه آن مقرر یا محشی هم نظریه خوبی است و نکاتی را که تذکر می دهد همان چیزی است که به نظر می رسد.

تلمیذ: مؤلفش را بفرمایید.

^۱. جهت اطلاع بیشتر از چگونگی احادیث «**مَنْ بَلَغَ**» رجوع شود به مطلع انوار، ج ۷، ص ۶۶۵.

استاد: این مؤلف ندارد. برای آقای گلپایگانی است و نوشته است: قام بإعداده مركز المعجم الفقهي و مؤلف ندارد.

روایت اول روایتی از کافی است:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ لَهُ الضَّيْعَةُ الْكَبِيرَةُ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْمَهْرَجَانِ أَوْ النَّيْرُوزِ أَهْدَوْا إِلَيْهِ الشَّيْءَ لَيْسَ هُوَ عَلَيْهِمْ يَتَقَرَّبُونَ بِذَلِكَ إِلَيْهِ فَقَالَ: «أَلَيْسَ هُمْ مُصْطَلِينَ؟» قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: «فَلْيَقْبَلْ هَدِيَّتَهُمْ وَ لِيُكَافِهِمْ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ قَالَ: «لَوْ أَهْدَى إِلَيَّ كُرَاعٌ لَقَبِلْتُ وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّ كَافِرًا أَوْ مُنَافِقًا أَهْدَى إِلَيَّ وَسَقَا مَا قَبِلْتُ وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ أَبِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِي رَبِّدَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ طَعَامَهُمْ»^۱.

اتفاقاً این روایت یکی از مواردی است که می‌شود از این روایت استفاده کرد که نوروز سنتی است که مورد قبول اسلام نیست. ببینید متن روایت این‌طور دارد: «عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ لَهُ الضَّيْعَةُ الْكَبِيرَةُ»، «ضَيْعَهُ» به فامیل، افراد، قوم و خویش می‌گویند. البته به املاک و چیزهایی که متعلقات به انسان است هم می‌گویند ولی خب الآن در اینجا منظور فامیل است. فامیل این شخص هم ایرانی بودند به دلیل این قضیه که می‌گوید، بعد دارد که برای او هدیه می‌آورند. بعد در اینجا دارد که این شخص بر مذهب آنها نیست. این هدیه را می‌آوردند که قرب پیدا کنند. از این روایت استفاده می‌شود که اینها مسلمان‌اند ولیکن آدابشان آداب قدیم است حضرت در اینجا می‌گوید: «فَلْيَقْبَلْ هَدِيَّتَهُمْ وَ لِيُكَافِهِمْ» هدیه‌شان را قبول کند و یک عوضی هم به ایشان بدهد. تقریباً می‌شود گفت که این روایت، روایت خوبی است.

معنای عبارت «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» در کافی

اولاً «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» برای کافی است و هر جا که کافی عبارت عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا می‌آورد یعنی از نظر سند مورد قبول مرحوم کلینی است یعنی از دیادِ رواۃ حدیث است اما به واسطه کثرتِ راوی دیگر اسامی را ذکر نمی‌کند بلکه عِدَّةٌ می‌گوید یعنی عده زیادی از اصحاب سهل بن زیاد و احمد بن محمد همه اینها صحیح

۱. الکافی، ج ۵، کتاب المعیشه، باب الهدیه، ص ۱۴۱، ح ۲. نوروز در جاهلیت و اسلام، ص: ۱۰۰

«ابراهیم کرخی می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام سؤال کردم: مردی است دارای املاک و مزارع بزرگ هنگامی که روز مهرجان یا نوروز می‌رسد رعیت او هدایایی برایش می‌آورند، این هدایا از روی جبر و اکراه نیست ولی قصد تقرب و نزدیکی به او را دارند، آیا می‌تواند هدایای آنان را بپذیرد؟ امام علیه‌السلام فرمودند: «آیا اینها نماز می‌گزارند؟» عرض کردم: آری. حضرت فرمودند: «هدیه آنان را بپذیرد و تلافی نماید؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر ران گوسفندی برایم هدیه آورند می‌پذیرم، و این سنت از دین و شریعت است. و اگر کافر یا منافقی ران شتر یا گاوی به هدیه آورد نمی‌پذیرم، و این حکم و تکلیف را از دین می‌دانم؛ خداوند عزوجلّ إِبَاءَ نموده است برای من که از دست‌مایه‌های مشرکین و منافقین و غذای آنان مصرف نمایم.»

هستند، ابن محبوب و ابراهیم کرخی هم که افراد مقبول هستند و ضعف ندارند.

تلمیذ: این «عده» در مقابل «بعض» هستند؟

استاد: بله.

تلمیذ: اگر تعبیر به بعض کند چطور؟

استاد: روایت مرسله می شود ولی «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» یعنی مسئله مسلم است. این روایت روایت صحیح است. در این روایت دارد که «لَيْسَ هُوَ عَلَيْهِمْ» یعنی این شخص بر مرام اینها نیست. از این عبارت معلوم می شود که در دین اسلام این عید و این قضیه به عنوان عید نیست بلکه آنها عید می گیرند اما این «لَيْسَ هُوَ عَلَيْهِمْ» یعنی این آنها را قبول ندارد؛ در عین اینکه آنها مسلمان اند. اگر یک وقت بگویند که «لَيْسَ هُوَ عَلَيْهِمْ» یعنی آنها زرشتی اند و او مسلمان است، این یک معنا دارد ولی در عین اینکه آنها مسلمان هستند «لَيْسَ هُوَ عَلَيْهِمْ»؛ این بر آن مرام نیست. این روایت روایت صحیحی است که می تواند به عدم قبول اسلام این عید را به این روایت استشهاد کرد. این یک روایت بود.

روایت دوم که معروف است و مورد قبول است همین روایتی است که این منبری ها و وعظ بالای منبر می خوانند و همین روایت است. از امیرالمؤمنین علیه السلام است:

وَأَتَى عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهَدِيَّةِ النَّيروزِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا هَذَا؟ قَالُوا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الْيَوْمَ النَّيروزُ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إصْنَعُوا لَنَا كُلَّ يَوْمٍ نَيْرُوزًا.^۱
و قالوا: «نَيْرُوزَنَا كُلَّ يَوْمٍ».

البته بعضی ها می گویند که سلمان یک هدیه ای آورد؛ فالوذجی درست کرد و آورد همین فالوده ما. حتی من یادم هست که یک بنده خدایی - اخیراً هم فوت کرده است - راجع به عید نوروز و اینها یک قضیه ای بود در زمان شاه و نخست وزیر هویدا هم در آن موقع در آن مجلس شرکت کرده بود. آنوقت آن منبری برای دلخوشی اینها و برای تأیید نوروز این روایت را آورده بود و خوانده بود.

اولاً در اینجا روایت اصلاً سند ندارد. مرحوم صدوق در جلد سوم از همین کتاب من لا يحضره الفقيه نقل کردند و بدون سند آوردند.

تلمیذ: اهل سنت هم در سنن بیهقی نقل کرده است البته این هم سند ندارد.^۲

استاد: علی کل حال حالا معنا که می کنیم معلوم می شود که اصلاً این مسئله به عید کاری ندارد.

یک هدیه ای برای حضرت آوردند - حالا داریم که این احتمالاً همان فالوذج بوده است - بعد امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید که امروز چه روزی است؟ می گویند که روز نیروز است. بعد حضرت

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، کتاب المعیشه، باب الهدیه، ص ۳۰۰، ح ۴۰۷۳.

۲. السنن الکبری، ج ۹، کتاب الجزیه، باب ۵۵ - بَابُ نَقْضِ أَهْلِ الْعَهْدِ أَوْ بَعْضِهِمُ الْعَهْدِ، ص ۳۹۲، ح ۱۸۸۶۵.

می گویند که برای ما هر روز را نوروز قرار بدهید! یعنی هدیه بیاورید! یا اینکه حضرت می فرمایند که ما هر روز هدیه می دهیم؛ در معاشرت و ارتباطاتمان هدیه را اختصاص به نوروز نمی دهیم.

هیچ دلیلی بر اینکه حضرت این را عید پذیرفته است و اینها نیست! به حضرت می گفتند که امروز هدیه آوردیم، حضرت می گویند که هر روز برای ما هدیه بیاورید، ما هر روز این هدیه و این مسائل را داریم، این کجایش دلالت می کند که حضرت تأکید کردند و تثبیت کردند و فرمودند که این عید است؟! تلمیذ: رد هم می کند.

استاد: حالا ردش را نه، حالا این روایت غیر از آن روایت بالاست و آن تندی در آن نیست. اینکه حضرت می فرمایند: «كُلَّ يَوْمٍ نَيِّرُوزًا» یعنی منظور شما شاید این است که حضرت می خواهد رد بکند و بگوید که ما نوروز نداریم بلکه در هر روز ما این مراسم هست، نه اینکه اختصاص به یک روز خاص داشته باشد. حالا بر فرض این را هم نخواهیم بگوییم، اصلاً حتی هیچ نوعی تلمیحی نسبت به این سنت در این روایت نیست. روایت دیگر روایت حسن بن محبوب است که البته در من لا يحضره الفقيه همین روایت را به همان سند کافی از ابراهیم کرخی ذکر کرده اند.^۱ باز در تهذیب این روایت کافی را مجدداً به همین کیفیت نقل کرده است.^۲

این دو روایت در اینجا راجع به نوروز بود و روایت دیگر که به این کیفیت باشد نداریم و ظاهراً نیست. تلمیذ: یک روایت ضد نوروز در مستدرک هست که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که به جای دو عید نوروز و مهر جان عید قربان و عید الاضحی و عید فطر را قرار دارند.^۳

استاد: بله، حالا ما هنوز به آن نرسیدیم، روایت موسی بن جعفر علیهما السلام هم داریم ولی فعلاً می خواهیم آن چیزی که تأیید این مسئله به حساب می آید را بیان کنیم.

در سنن بیهقی یک روایت هست که نظیر روایتی است که راجع به امیرالمؤمنین علیه السلام است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيرِينَ قَالَ: أَتَى عَلَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِهَدِيَّةِ النَّيِّرُوزِ فَقَالَ: «مَا هَذِهِ؟» قَالُوا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا يَوْمُ النَّيِّرُوزِ! قَالَ: «فَاصْنَعُوا كُلَّ يَوْمٍ فَيِّرُوزَ» قَالَ أَبُو سَامَةَ: كَرَّةٌ أَنْ يَقُولَ نَيِّرُوزٌ؛^۴

این روایت از سنن بیهقی راجع به این مسئله هست.

این مسئله راجع به نوروز، یکی روایت امیرالمؤمنین علیه السلام بود که هدیه آوردند و این خیلی معروف است و روایت دوم روایت امام صادق علیه السلام است که عرض کردیم آن روایت اصلاً ضد نوروز است و

۱. همان.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۶، کتاب المکاسب، ص ۳۷۸، ح ۲۲۹.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۶، ابواب صلاة العید، باب ۳۲ - باب نَوَائِرِ مَا يَتَعَلَّقُ بِأَبْوَابِ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ، ص ۱۵۳، ح ۶۶۷۶.

۴. السنن الكبرى، ج ۹، کتاب الجزية، باب ۵۵ - بابُ نَقْضِ أَهْلِ الْعَهْدِ أَوْ بَعْضِهِمُ الْعَهْدِ، ص ۳۹۲، ح ۱۸۸۶۵.

موافق نیست. مسئله‌ای که در اینجا خیلی فقهاء روی آن نظر دادند، در ابواب مختلف در بحث طهارت و نجاسات، در بحث صلاة مستحبی، در بحث غسل، در بحث صوم و در موارد مختلف آمدند یکی از صلاة‌های مستحبی را صلاة در عید نوروز در کتب فقهی ذکر کردند. یکی از غسل‌های مستحبی را غسل روز عید کردند مثلاً مرحوم شیخ طوسی در مصباح المتهجد از معلی بن خنيس دارد که حضرت می‌فرماید:

إِذَا كَانَ يَوْمُ النَّيْرُوزِ فَاغْتَسِلْ وَابْسِ أَنْظَفَ ثِيَابِكَ^۱

راجع به صلاة و غسل در جلد پنج از وسائل هم دارد:

استحباب صلاة يوم النيروز الغسل فيه و الصوم و لبس أنظف الثياب و الطيب و تعظيمه و صب الماء فيه.^۲

راجع به صلاة هم داریم:

و قال شيخنا أبو جعفر في مختصر المصباح: و يُستحبُّ صلاةُ أربع ركعاتٍ و شرح كيفيتها في يوم النيروز.^۳

راجع به غسل در اغسال مستحبه در دروس مرحوم شهيد می‌فرماید:

و يستحبُّ الغسل للجمعة أداءً ما بين طلوع الفجر إلى الزوال، و تعجيلاً يوم الخميس لخائف تعذره يوم الجمعة، و آخر الوقتين أفضل، و قضاءً إلى آخر السبت و أوله أفضل، و فرادی شهر رمضان، و أكده نصفه و سبع عشرة و تسع عشرة و إحدى و عشرين و ثلاث و عشرين، و ليلة الفطر، و يومی العیدین، و ليلتي نصف رجب و شعبان و يوم المبعث و المولد و الغدير و التروية و عرفة و الدحو و المباهلة و النيروز لخبر المعلی...^۴

در مورد غسل هم هست. در ذکر، لمعه، مهذب و در همه اینها راجع به این هست که درباره کیفیتش إن شاء الله جلسه بعد صحبت می‌کنیم. بحث راجع به روایات را نمی‌خواهیم زیاد طول بدهیم به جهت اینکه چندتا روایت بیشتر نیست و مشخص است و عمده مستند تثبیت عید، روایت معلی است.

در تمام این موارد فقهاء تنها مستندشان را روایت معلی قرار دادند یعنی غیر از روایت معلی هیچ مستند فقهی برای استحباب غسل و برای استحباب صلاة و برای استحباب صوم در روز نوروز وجود ندارد. در مسالک، در السرائر، در مجمع الفائده و در تمام اینها روایتش را این روایت معلی قرار می‌دهند، راجع به سند

^۱. این روایت در نسخه اصلی مصباح المتهجد نیست. لذا جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به نوروز در جاهلیت و اسلام، ص ۱۱۶.

^۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب بقیة الصلوات المندوبه، باب ۴۸، ص ۱۷۲.

^۳. نوروز در جاهلیت و اسلام، ص ۱۲۱:

السرائر، ج ۱، ص ۱۱۵، طبع جامعه مدرسین، در تعلیقه گوید: «ما تا کنون به مختصر مصباح دسترسی پیدا نمودیم.» و لیکن در المهدب البار، ج ۱، ص ۱۹۱، طبع جامعه مدرسین، عبارت مذکور مختصر المصباح را از نسخه مخطوط آورده است.

^۴. الدروس، ج ۱، کتاب الطهارة، الأغسال المستحبه، ص ۸۷.

روایت معلّی صحبت می‌کنیم.

در جواهر هم دارد؛^۱ اصلاً تعجب می‌کنم که چطور صاحب جواهر با وجود این تبخّر فقهی خود این روایت مورد قبول ایشان است و یک هم‌چنین روایتی به این مهمی مثل روایت موسی بن جعفر علیهما السلام با این بیانش را اصلاً انگار هیچ نمی‌فهمند، اصلاً چطور می‌شود که کسی فقیه باشد ولی در نوروز این حرف را بزند؟! الآن یک مقدار برای شما راجع به این روایت معلّی توضیح می‌دهم واقعاً آدم خنده‌اش می‌گیرد که این روایت اصلاً چه روایتی است! آن وقت این روایت را در مقایسه با روایت موسی بن جعفر علیهما السلام یک کسی مثل صاحب جواهر می‌آید و می‌گوید: روایت موسی بن جعفر نمی‌تواند با آن معارضه کند!^۲ چطور یک هم‌چنین قضیه‌ای می‌شود؟! اصلاً امکان ندارد!

روایت مهم در نوروز روایت معلّی است و در روایت معلّی داریم که می‌گوید: در روز نوروز نزد امام صادق آمدند و بعد امام صادق فرمودند که می‌دانی امروز چه روزی است؟! عرض کردم نه حضرت فرمودند: امروز، روز نوروز است و روزی است که کذاست و بعد شروع می‌کنند راجع به امروز صحبت کردن، امروز، روزی است که کشتی نوح علیه السلام روی کوه نشست، امروز روزی است که عید غدیر در امروز واقع شده است. حتی در یک روایت داریم که من دیدم امروز روز عاشورا است! درحالی که یکی از دروغ‌های مسلم است و طبق حسابی که شده است قطعاً عاشورا در سیزدهم یا چهاردهم خرداد یا تیر انجام شده است. با حساب ریاضی این را انجام داده‌اند. این طور که به نظر می‌آید مرحوم سید جلال‌الدین تهرانی که ایشان هیئتی بود حساب کرده بود و منتشر هم کرده بود که خیلی در شدت گرمای ربیع [بهار] بوده است، در اواخر ربیع بهار یا صیف این قضیه روز عاشورا بوده است و در این روایت است که روز عاشورا روز اول نوروز بوده است خب این دروغ واضح است!

حالا راجع به عید غدیر داریم که عید غدیر روز اول نوروز است خب این [را] می‌شود دقیقاً حساب کرد که روز عید غدیر دقیقاً چه روزی بوده است و اوقات تاریخی دیگر. جهتش هم این است که روایت معلّی که نقل می‌کنند صد و پنجاه سال از تاریخ هجرت گذشته بوده است چون امام صادق علیه السلام در سنه صد و چهل و هشت هجری به شهادت رسیدند.^۳ پس این روایات مربوط به صد و پنجاه سال بعد از قضیه هجرت و بعد از اینها انجام شده است! حالا صد پنجاه سال قبل کیست که حالا بلند شود و بیاید تحقیق کند، بیاید ببیند که واقعاً روز عید غدیر در چه روزی بوده است! آنچه که در این روایت هست حالا خود رفقا این روایت معلّی

۱. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۱. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به نوروز در جاهلیت و اسلام، ص ۱۲۷.

۲. همان.

۳. الإرشاد، ج ۲، باب تاریخ الإمام الصادق علیه السلام و فضله، ص ۱۸۰.

را مطالعه بکنند تا اینکه نسبت به محتوای این روایت اطلاعاتی به دست بیاورند.

دو سه مسئله در روایت معلی به نظر می رسد؛ مسئله اول اینکه در این روایت امام صادق علیه السلام می فرمایند: **«إِنَّ هَذِهِ سَنَةُ حَفْظَةِ الْفَرَسِ فَضَيِّعْتُمُوهُ»**^۱ خب در عبارات تمام این افرادی که این روایت را نقل کردند، این عبارت هست که این مسئله مربوط به فرس است و شما آن را از بین بردید و حتی در اینجا دارد:

و في خبره الآخر عن الصادق عليه السلام المروي على لسان الشيخ الجليل الشيخ أحمد بن فهد في مذهب، حكاة في المصابيح و هو طويل، قد اشتمل على ذكر أمور عظيمة قد وقعت في هذا اليوم، كبيعة على عليه السلام و إرساله إلى الجنى، و ظفره بالنهر و ان، و قتل ذى النديه، و ظهور القائم عليه السلام و يظفره الله فيه بالدجال، إلى أن قال: **و ما من يوم النيروز إلا و نحن نتوقع فيه الفرج، لأنه من أيامنا؛ حفظه الفرس و ضييعتموه.**^۲

اشکالاتی بر روایت معلی

این عبارتی که همه نقل کردند این است: **«حَفْظَةُ الْفَرَسِ وَ ضَيِّعْتُمُوهُ»** حالا طبق این روایتی که هست نعوذ بالله اشکالی که بر امام صادق علیه السلام وارد می شود این است که اگر حضرت به معلی اعتراض می کند که چرا این مسئله را تزییع کردید، خب معلی می تواند جواب بدهد که ما از خودمان اختیار نداریم، شما برای ما بیان نکردید! چون تنها روایتی که مربوط به نوروز است روایت معلی است که در زمان امام صادق علیه السلام [بود]. پس حضرت صادق برای چه معلی را توبیخ می کند که **«حَفْظَةُ الْفَرَسِ وَ ضَيِّعْتُمُوهُ»**؟! آیا از زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تا زمان امام صادق روایتی بوده است که پیغمبر گفتند و مردم عمل نکردند؟! خب [در این صورت] جا دارد که امام بگوید که شما تزییع کردید. مثلاً اینکه این همه ما مربوط به حقوق داریم: **«ضَيِّعْتُمْ حَقَّوْنَا»** یا **«ضَيِّعْتُمْ حَقَّ آلِ مُحَمَّدٍ»**^۳ «ضَيِّعْتُمْ كَذَا» یا مثلاً «ما رَعَيْتُمْ حَقَّ رِعَائِهَا كَذَا» راجع به این مسائل زیاد داریم، خب اینها همه ادله و برهان نشان إلى ما شاء الله موجود بوده است مثل واقعه غدیر و سایر مسائل و روایاتی که از پیغمبر و اینها رسیده است و جای شبهه را باقی نمی گذارد و اگر مردم کوتاهی کردند خب به خاطر مسامحه باید توبیخ هم بشوند. اما اینکه حضرت می فرماید: **«ضَيِّعْتُمُوهُ»**؛ این را شما تزییع کردید»، خب این اشکال متوجه خود حضرت است چون خود اینها بیان نکردند و اگر بیان می کردند شاید مسلمانها تزییع نمی کردند و شاید شیعه تزییع نمی کرد، این اشکال اول بود که اشکال بسیار مهمی بر این روایت است. اشکال دومی که بر این روایت به واسطه این عبارت وارد می شود این است که اگر ما از امام صادق

۱. وسائل الشیعة، ج ۸، کتاب الصلوة، أبواب بقیة الصلوات المندوبة، باب ۴۸ - باب استحباب صلاة يوم النيروز و الغسل فيه و الصوم و لبس أنظف الثياب و الطيب و تعظيمه و صب الماء فيه، ص ۱۷۳، ح ۲.

۲. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۱. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به نوروز در جاهلیت و اسلام، ص ۱۲۷.

۳. تحف العقول، ص ۲۳۸، با قدری اختلاف.

علیه‌السلام بپرسیم که این روایت به این مهمی که شما بیان می‌کنید که [نوروز] روزی است که به نهران غلبه کرد و روزی که عید غدیر بود و روزی که عاشورا بوده است - که دروغ مسلم است، عاشورا قطعاً روز عید نوروز نبوده است - آنقدر مهم است که می‌گویید که **هُوَ مِنْ أَيَّامِ اللَّهِ وَ إِنَّ هَذِهِ سُرٌّ، أَفْسِرَ لَكَ وَ كَذَا وَ كَذَا**، آیا درست است که یک هم‌چنین مسئله به این مهمی صد و پنجاه سال از اسلام بگذرد و بعد امام صادق این مسئله را بیان کند؟! اصلاً یک هم‌چنین چیزی معقول است؟! راجع به غسل شب عید فطر [کلام] امام رضا و امام حسن عسکری علیهما‌السلام هست، راجع به یک امر مستحبی همه ائمه علیهم‌السلام بیان می‌کنند آنوقت یک هم‌چنین روایتی به این مهمی [بیان نشده است]! درحالتی که در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بین فارس و عرب روابط و علایق برقرار بود و می‌رفتند و می‌آمدند. اصلاً ایران در زمان عمر فتح شد، در زمان بنی مروان و اینها بین ایران و افراد در حکومت‌های بنی‌امیه [ارتباط برقرار بود] و ایرانیان وجود داشتند. این از این مسئله [که بیان شد]. آنوقت چطور ممکن است صد و پنجاه سال یک کلمه از ائمه علیهم‌السلام راجع به یک هم‌چنین مسئله‌ای به این مهمی - حالا امشب خودتان بروید روایتش را مطالعه کنید و نکاتش را علامت بزنید - نیامده است؟! اصلاً معقول نیست. آنوقت امام صادق بعد صد و پنجاه سال بگوید: **«ضِيَعْتُمُوهُ»**! کجا **«ضِيَعْتُمُوهُ»**؟! کسی خبر ندارد که **«ضِيَعْتُمُوهُ»**!

تلمیذ: حتی از ائمه و پیغمبر علیهم‌السلام هم سیره نقل نشده است.

استاد: اصلاً نه سیره‌ای نقل شده است و نه روایتی از پیغمبر و امیرالمؤمنین علیهما‌السلام بیان شده است. مختصاً و کنایتاً و اشارتاً نداریم که امام حسن و امام حسین علیهما‌السلام به کسی گفته باشند درحالتی که این همه ارتباطات، قرائن، شواهد، قضیه فتح ایران و آوردن دختران ساسانی و کسری و ازدواج شهربانو مادر حضرت سجاد با امام حسین علیه‌السلام و دیگری با محمد بن ابی‌بکر،^۱ این ارتباطات، علائق، مسائل و اینها به این کیفیت بوده است آنوقت چطور یک هم‌چنین قضیه‌ای نبوده است؟! و این دو اشکالی است که نسبت به [این قسمت از روایت هست]. یعنی هرچه از نقطه نظر فقهی اهمیت یک مسئله بالا می‌رود، به همان مقدار آن موجب تضعیف می‌شود.

یکی از مسائل و جهاتی که مجتهد باید نسبت به روایات نظر بیندازد و یکی از مواردی که محل شک و شبهه است - نه حالا اینجا حتی در جاهای دیگر - [این است که] باید نگاه کند و ببیند این مسئله مهم فقهی در چه مرتبه‌ای از اهمیت فقهی قرار دارد. بعد تاریخ این مسئله را بداند که این قضیه از نقطه نظر سیر تاریخی در کدام مرحله‌ای از تاریخ برای مردم بیان شده است. خب وقتی که ما نگاه کنیم، اگر ببینیم یک مسئله‌ای خیلی

^۱. ربيع الأبرار، ج ۳، ص ۳۵۱.

برای شیعه مهم است اما در زمان امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است، خب این محل اشکال است که چرا کسی نباید این قضیه به این مهمی را تا زمان امام حسن عسکری نداند و یک نفر بیان نکند؟! یک وقتی حالا قضیه حکم فرعی است فرض کنید عرق جنب از حرام نجس است یا نه؟ خب این یک مسئله فقهی است و خیلی هم مسئله مهمی هم نیست و خیلی اهمیت ندارد. داریم که این روایت از امام حسن عسکری است و حضرت فرمودند که نه نجس نیست ولیکن نمی شود در آن نماز خواند.^۱ لذا فقهاء به همین روایت فتوای به عدم تنجیس عرق جنب از حرام می دهند.

اما فرض کنید که یک روایت از نقطه نظر فقهی امر خیلی مهمی در حج است که اگر کسی که در منی است مثلاً فلان کار را انجام ندهد حشش باطل است یا در عرفه، آن وقت این روایت فقط از امام هادی علیه السلام نقل بشود؟! این طور نمی شود! فرض کنید که دویست سال از اسلام گذشته است و همه مردم حششان باطل است؟! خب این مسئله مگر هم چنین چیزی می شود؟! فقط امام هادی این قضیه را نقل کرده است؟! این نمی شود.

اگر شما به روایت نوروز نگاه کنید با این اهمیتی که در این روایت برای آن ذکر می کند که این اسرار خدا است، این ایام الله است، این فلان است و چیست و ...، خب این یک هم چنین مسئله ای که آن قدر امام صادق دارد روی این مسئله تأکید می کند، صد و پنجاه سال هیچ خبری از آن نبوده است؟! این مسئله اصلاً نمی شود و امکانش نیست. جای تعجب است! نمی دانم چطور اینها غافل از این نکته هستند!

این دو اشکال از نقطه نظر محتوا به این روایت می شود؛ اشکال اول متوجه خود امام صادق علیه السلام است نعوذ بالله که این خطاب «ضِیَعْمُوهُ» به خود حضرت بر می گردد! به خاطر اینکه شیعه می گوید که من دلیل نداشتم! شما می گوید که ما تزییع کردیم! خب ما که چیزی از شما و پدرانمان نشنیدیم، شما تازه دفعه اول گفتید! پس این اشکال متوجه خود شما است! ثانیاً ممکن است شخصی بگوید که منظور از «ضِیَعْمُوهُ» این است که شما زمینه را به وجود نیاوردید تا اینکه ما بیان کنیم، می گوئیم که زمینه نمی خواهد! در طول صد و پنجاه سال، همان طوری که الآن امام صادق پنهانی در گوش تو می گوید که این ایام الله است [دیگران] هم این را بگویند! بالأخره حتماً نباید که پنهانی در گوش تو بگویند! من باب مثال شیعیان خاص امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت سجاد علیه السلام قضیه را بدانند و برای هم نقل می کنند. همان طور که خیلی از مسائل این طور است. حداقل این قضیه را بگویند! اگر آن قدر روزه در آن مستحب است و نماز و غسل دارد و امثال ذلک و این قدر انجام مسائل در آن مهم است چطور صد و پنجاه سال هیچ کس نباید از آن خبر داشته

۱. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، باب إمامة أبی الحسن علی بن محمد النقی علیه السلام، فصل فی معجزاته، ص

باشد؟! درحالی که مستحبات ما مثل اغسال مستحبه ما در همان زمان امیرالمؤمنین روشن بود، این دیگر مسئله خاصی نبود. این مسئله موجب می شود که اصل این قضیه و روایت مورد سؤال و وهن قرار بگیرد، حالا کیف به اینکه روایت معارضی نسبت به این قضیه موجود است.

تلمیذ: بعد از زمان حضرت هم باز هم چنین اتفاقی نیفتاد که مثلاً ائمه بعدی یا اصحاب هم چنین سیره ای را ادامه بدهند، این قضیه بعد از صد و پنجاه سال بعد از هجرت اتفاق افتاده است، بعد از آن دوباره یک هم چنین چیزی نبوده است یعنی ائمه بعدی باز یک هم چنین سیره ای را نداشتند.

استاد: بله، بلکه خلاف آن بوده است اصلاً روایت موسی بن جعفر علیهما السلام خلاف آن است. تلمیذ: این مطلب را که مطلب خوبی هم هست شخصی می گفت که در این کتاب حاج شیخ عباس قمی مثل اینکه درباره ایام روزها نوشته است گفت: در مورد خود صاحب مناقب گفته است که مناقب در اوّل کتابش سندهای کل روایت را در آنجا آورده است که من از کجاها نقل کرده ام و همه روایات هم درست است. یعنی ما می توانیم از ارسال هم شاید بتوانیم تقریباً روایت را [مستند بدانیم]. استاد: بله، بله در مناقب این روایات هست.

تلمیذ: زمانی که نوروز با محرم برخورد کرده بوده است پسر حاج شیخ عباس قمی نقل کرده است که خواب دیده که حرم امام حسین علیه السلام رفته است و کفشداری کفشش را قبول نکرده است و گفته است که امسال تمام ایرانیان را قبول نمی کنیم چون محرم بوده است و جشن روز عید نوروز را گرفتند و می گویند که از آن سال به بعد هم دیگر راه عتبات عالیات بسته شده است و نتوانستند بروند، داخل اطلاعیه گفته بودند که امسال حواستان جمع باشد.

تلمیذ: مقاله ای هم در رابطه با نوروز و عید نوشتند که حدود شش هفت صفحه می شود و در این روایات تشکیک کرده است و آخرش هم احتیاط کرده بوده که بهتر است که بزرگداشت مراسم نوروز ترک شود. از این موضوع اطلاعی ندارید؟ استاد: نه، ندارم.

تلمیذ: بحث تاریخی هم کرده است و بعد آن روایت را آورده است.

استاد: روایت معلی؟!

تلمیذ: من چون این را حدود پنج یا شش سال قبل مطالعه کردم؛ این طور یاد می آید که در آخر با احتیاط جلو آمده است و نتوانسته است که در برود.

اللهم صل علی محمد وآل محمد